

متن مصاحبه های نشریه کارگر پیشرو با جلال حسینی، محمد رضازاده، محمد عبدی پور، انور شریفی و محمود صالحی در مورد مراسم اول ماه مه ۱۳۸۴ در سقز

توضیح نشریه کارگر پیشرو: لازم به تذکر است که شرکت کارگران سقز در مراسم روز جهانی کارگر در سالن کاوه (سال ۱۳۸۴) مورد تائید ماست.

سئوالات مطرح شده از جانب ما تنها برای روشن شدن جوانب گوناگون این موضوع است.

کارگر پیشرو: ابتدا به سراغ آقای جلال حسینی میرویم. او خود از برگزار کنندگان و مجریان مراسمهای اول ماه مه بوده و سال ۱۳۸۳ نیز بخاطر تلاش در برگزاری اول ماه مه دستگیر شد. نخستین سئوالم را اینطور مطرح میکنم:
س: کارگران سقز، صنف خباز، چند سال است که رسماً روز جهانی کارگر را جشن میگیرند؟
ج: ما در سال ۱۳۷۳ شمسی انجمن صنفی کارگران خباز در سقز تاسیس کردیم. از آن سال به بعد، انجمن روز جهانی کارگر را به شیوه های گوناگون جشن گرفته است. در سال ۷۶ بین اعضای هیئت مدیره این بحث مطرح شد که بجای برگزاری مستقل اول ماه مه در خارج شهر باید به داخل شهر آمد و روز کارگر را در بین کارگران صنف های مختلف جشن گرفت. این موضوع به تفصیل و از همه زوایا مورد بحث قرار گرفت و هیئت مدیره سرانجام تصویب کرد که مراسم ها از گردشگاههای خارج شهر به درون و به قلب شهر آورده شود.

س: نقش دولت در این مورد چه بود، آیا رسماً مخالفتی با شما کرد؟

ج: اول توضیح بدهم که روز کارگر بعد از انقلاب توسط یک مبارزه کارگری به دولت تحمیل شد و از آن پس دولت ناچار گردید، هر سال یک مراسم بی خاصیت برگزار کند. وقتی اولین سال ما برای کسب مجوز برای یک مراسم مستقل مراجعه کردیم مخالفت زیادی انجام گرفت و میخواستند ما بدون داشتن پرچم و شعار مشخص در مراسم رسمی شرکت کنیم و سخنران نیز نباشیم. ما مقاومت کردیم و پافشاری کردیم که میخواهیم مراسم مستقل برگزار کنیم. آنها وقتی مقاومت و پایداری ما را دیدند از ما خواستند مراسم را منحصر کنیم به کارگران خباز، ما گفتیم که در دعوت نامه از کارگران همه صنف ها و خانواده هایشان دعوت خواهد شد. دیگر این با دعوت شدگان است که بیایند یا نه. این کشمکش بود که هر سال ما داشتیم. اما به دلیل داشتن یک هیئت مدیره رادیکال و برخوردار بودن از پشتیبانی کارگران ما قادر میشدیم که خواسته های خود را تحمیل کنیم. عوامل دولتی پس از تلاشهای توطئه گرانه و وسیع بالاخره قادر شدند یک هیئت مدیره محافظه کار به انجمن تحمیل کنند. هیئت مدیره جدید از آن هنگام تا کنون مشغول سازش است.

س: شما چند سال مجری برنامه ها بودید؟

ج: من شش سال تمام مجری برنامه ها و از دست اندرکاران برنامه های تئاتر بودم. خوشحالم که بگویم آن برنامه ها مورد استقبال گرم حضار و حمایت کارگران قرار گرفت.

س: چرا در سال های ۱۳۸۲ و ۸۳ مجری نبودید؟

ج: در جواب سئوال قبلی اشاره کردم که ما هر سال با نیروهای دولتی مشکل داشتیم، با آنها کلنجار میرفتیم و تهدید هم میشدیم. اما افراد لایق و شجاعی در هیئت مدیره بودند که از امر ما به گرمی پشتیبانی میکردند و در نتیجه ما اعتنائی به تهدید ها نمیکردیم. کلاً اقدامات شجاعانه اعضای هیئت مدیره و بازرسان و از خودگذشتگی آنان در دفاع از کارگران و مبارزه آنان با جاسوسان محیط مناسبی برای کارهای مختلف و از جمله برگزاری مراسم اول ماه مه ایجاد کرده بود. بدلیل همین تلاشها و از خودگذشتگیها من، محمود صالحی، محمد عبدی پور و یک کارگر بنام ابراهیم کریمی در سال ۱۳۷۸ دستگیر و مدت ۷۵ روز در سلولهای انفرادی حبس شدیم. زندانی کردن ما به ضرر دولت تمام شد و جنبش کارگری ضعیف نشد. دولتیان حيله دیگری کردند. آنها برای به کج راه کشاندن جنبش کارگری خانه کارگر را با صرف هزینه و بکار گرفتن امکانات زیاد در سقز تاسیس کردند.

ما در مراسم اول ماه مه سال ۸۲ سقز به دو دلیل شرکت نکردیم. اولاً اداره اطلاعات هیئت مدیره جدید را تهدید کرده بود که در مراسم شرکت نکنند. ثانیاً از طرف انجمن صنفی کارگران خباز بوکان دعوت شده بودیم تا در مراسم اول ماه مه در آن شهر شرکت کنیم. شرکت ما در آن مراسم نقطه عطفی شد برای برگزاری مراسم های اول ماه مه در سالهای آینده در بوکان. در سال ۸۳ ما از انجمن صنفی کارگران خباز سقز دعوت کردیم تا با هم مراسم برگزار کنیم. ولی آنان، که از جای دیگر دستور میگرفتند، به ما حتی اجازه سخنرانی ندادند و ما هم رسماً آنرا تحریم کردیم. حتی ما در خواست مجوز کردیم و کاربدستان بجای مجوز حکم بازداشت ما را صادر کردند. البته دو روز قبل از آن نیروهای انتظامی بما گفتند که دستگیرمان خواهند کرد. ما در جواب گفتیم که ما با کفن به خیابانها خواهیم آمد و همین کار را هم کردیم. در اول ماه مه ۱۳۸۳ ما دستگیر شدیم و آن قضایا روی داد که نه تنها در ایران بلکه در سطحی قابل توجه در جنبش کارگری دنیا از آن خبردار شدند.

س: امسال در خواست مجوز کردید؟

ج : اصلاً ما بعنوان رهبرانی که به توده کارگران و مردم آزاده اتکا داریم درخواست مجوز نکرديم.

س : یعنی بجای برگزاری مراسم مستقل در مراسم خانه کارگر شرکت کردید؟

ج : در دنیای واقع خانه کارگری وجود ندارد تا ما در مراسم شرکت کنیم . خانه کارگر اسم دارد ، اما اعضاء نه . مراسم اول ماه مه امسال یک کمیته برگزار کننده داشت . متشکل از انجمن صنفی کارگران خباز ، شورای اسلامی دخانیات ، نماینده کارگران شهرداری و خانه بدون کارگر . همه اعضاء کمیته شدیداً با شرکت ما در مراسم مخالف بودند . البته کسانی ما را متهم می کنند که در مراسم خانه کارگر شرکت کرده ایم . در میان اینها کسانی هستند که خود در زمان افتتاح خانه کارگر در سقز به امید گرفتن یک پلاک زمین به آنجا می رفتند و کارت عضویت گرفتند و آن را در پارچه سبز پیچیدند تا از چشم حسود محفوظ بماند . دو سال طول کشید تا آنها دریابند که خانه کارگر کلاه گشادی سرشان گذاشته است . بهر حال از مطلب دور نیافتیم . من دوباره تاکید می کنم که آن مراسم را نمیتوان و نباید مراسم خانه کارگر خواند .

س : شما بهمراه دوستان خود در مراسم سالن کاوه شرکت کردید . آن مراسم توسط خانه کارگر سازمان داده نشده بود ؟

ج : میگویند مورچه چیه تا کله پاچه ش چی باشه . خانه کارگر عضو کجا بود تا مراسم بر پا کند . هر کس این ادعا را میکند پنج تن از اعضاء این تشکل را به افکار عمومی معرفی کند . البته شخصی به اسم سید صالح حسینی ، رئیس شورای اسلامی کارگران دخانیات ، به نمایندگی از طرف خانه کارگر سخنرانی کرد . اما این هیچ از صحبت و گفته های من کم نخواهد کرد . همانطور که گفتیم ما امسال تقاضای مجوز نکرديم . در بند اول قطعنامه کارگران تهران ، رشت ، سقز ، باه ، مریوان ، سنندج و بوکان آمده بود که : ((اول ماه مه باید بعنوان روز جهانی کارگر در تقویم رسمی کشور تعطیل عمومی اعلام گردد . دولت جمهوری اسلامی موظف است برگزاری علنی ، آزادانه و بدون مجوز این روز را به رسمیت بشناسد . امنیت شرکت کنندگان و برگزار کنندگان مراسم را تضمین کند.)) در واقع مقامات با دعوتی که از ما بعمل آوردند تا با پلاتفرم خود در مراسم شرکت کنیم عملاً بند یک قطعنامه فوق را پذیرفته بود .

دومین مصاحبه شونده یکی از کارگران کارخانه بسته بندی بهداد است بنام محمد رضازاده .

س : شما در مراسم سالن کاوه شرکت کردید؟

ج : بله شرکت کردم . خیلی هم خوشحالم کسانی که پارسال فعالین و شرکت کنندگان روز جهانی کارگر را دستگیر میکردند ، امسال از آنها دعوت میکنند و عملاً به آنها مجوز برگزاری مراسم را میدهند .

س : به نظر شما چرا این اتفاق افتاد؟

ج : بدلیل اینکه جنبش کارگری وضع بهتری پیدا کرده است . این جنبش در حال پیشروی است . اگر کسی یک ذره انصاف داشته باشد نمیتواند این را انکار کند . حتی مامورین دولتی هم بکرات به این واقعیت اعتراف کرده اند . در بعضی نشریات در دنیا نیز این حقایق منتشر شده است و گفته اند : ((سرخها به میدان آمدند .)) من معتقدم که امروز جنبش کارگری در عرصه اعتراض به کمبودها حرف اول را میزند . کسی پیدا میشود بگوید که این حزب و یا آن تشکیلات غیر کارگری پیشرو اعتراضات است؟ ولی ما روزانه شاهد دهها اعتراض کارگری هستیم . سال گذشته دهها کارگر به خاطر شرکت در مراسم روز جهانی کارگر توسط نیروهای اطلاعاتی و انتظامی دستگیر شدند . بدنبال این دستگیریها کمیته‌ای در ایران و بخشی از نقاط جهان راه افتاد و اعتراضات وسیعی به این دستگیریها انجام گرفت . آن دستگیر شده ها امسال با روحیه عالی ، سازش ناپذیر و رزمنده تر از سال گذشته و بدون درخواست هیچ مجوزی مراسم روز جهانی خود را گرفتند . یعنی دولت بعزت پیشروی کارگران در سقز عملاً به خواسته های این رهبران تن داد .

س : شما سال قبل در چه مراسمی بودید؟

ج : من قصد شرکت در مراسم پارک کودک را داشتم که نیروهای انتظامی ممانعت کردند و من را همراه دهها نفر دیگر دستگیر کردند .

س : آیا امسال موافق شرکت در مراسم سالن کاوه بودید؟

ج : بله ، شرکت ما در این مراسم روحیه کارگران را تقویت کرد . تسلیم مقامات شهر به کارگران نشان داد که تلاش ، مبارزه جونئی و پایداری ثمر دارد . حالا که ((کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری)) اعلام کرده ((تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم)) باید از این درس استفاده کرد و نشان داد که اتکا به نیروی مبارزاتی کارگر میتواند به پیروزی منجر شود .

سومین مصاحبه با آقای محمد عبدی پور کارگر خباز و یکی از دستگیر شدگان اول ماه مه ۱۳۸۳ انجام گرفته است . بدون مقدمه میبرسیم :

س : شما در مراسم اول ماه مه در سالن کاوه شرکت کردید؟

ج : بله ، من در آن مراسم شرکت کردم .

س : عده ای اظهار نظر کرده اند که شرکت در آن مراسم مشروعیت بخشیدن به خانه کارگر بوده است . نظر شما در این مورد چیست؟

ج : آنها که چنین ادعایی دارند بیایند و به کارگران اثبات کنند که ما بنا به درخواست خانه بدون کارگر و یا کمیته برگزار کننده در مراسم شرکت کرده ایم . کمیته برگزار کننده شامل نمایندگان انجمن صنفی کارگران خباز هم هست و اینها دو سال است با ما هیچ مراسمی برگزار نکردند . زیرا ما همیشه میخواستیم مراسمی خود را بدون دخالت مسئولین دولتی و یا تشکلهای آن بگیریم . ولی لازم است توضیح دهم که اینها نه کارگردان و نه مدافع حقوق کارگر ، بلکه عده ای گوش به فرمان هستند . (آنها نماینده گرایش سازشکارند . با این

حال اگر برنامه ما را قبول کنند حاضریم به نفع کارگران با آنها همکاری کنیم.) اینها و بقیه اعضای کمیته و خانه کارگر، همگی، مخالف شرکت ما در مراسم بودند. حضور ما به آنها تحمیل شد. شما اگر به سخنان محمود صالحی توجه کنید متوجه میشوید که آن مراسم علیه آنها پیش رفت. به همین دلیل ما نه تنها به خانه کارگر مشروعیت ندادیم و جبهه ضد کارگر را تقویت نکردیم، بلکه جبهه کارگر را تقویت کردیم. کسانی که جمع شدند و خانه کارگر را راه انداختند نه تنها در میان کارگران پایگاهی ندارند، بلکه مورد بیزاری هم هستند. وضع طوری است که یک بار من از مسئول خانه بدون کارگر پرسیدم که آیا او مسئول خانه کارگر است؟ جواب داد که خیر.

س: پس با این حساب خانه کارگر هیچ نقشی نداشت؟

ج: نه، نداشت هر کس به فیلم گرفته شده از مراسم با دقت نگاه کند متوجه میشود که این کارگران خباز بودند که از شرکت کنندگان پذیرائی میکردند و انتظارات هم بعهده آنان بود و اینها همکاران و دوستان خود ما بودند. حتی اطلاعیه دعوت به مراسم هیچ نشانی از خانه کارگر بر خود ندارد. من متن اطلاعیه را میخوانم:

سالروز جهانی روز کارگر گرامی باد

بدین وسیله به اطلاع میرساند به مناسبت روز جهانی کارگر (اول ماه مه) در مورخه ۱۱ / ۲ / ۸۴ راس ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه مراسمی در سالن شهید کاظمی (کاوه) برگزار میگردد. از کلیه کارگران عزیز و مردم شریف دعوت بعمل میاید در این مراسم شرکت فرمایند.

کمیته برگزاری روز جهانی کارگر

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴

این متن اطلاعیه بود. چه کسی میتواند ادعا کند که این اطلاعیه مربوط به خانه کارگر است؟

س: پس با توجه به این اظهار نظر ها میشود گفت که شما هم موافق شرکت در مراسم اول ماه مه ۲۰۰۵ سالن کاوه بودید؟

ج: بلی، چرا نه؟ اجازه بدهید من کمی به عقب برگردم من نخستین کسی بودم که در سال ۱۳۷۳ شمسی برای نمایندگی کارگران خباز خود را کاندیدا کردم و از آن سال تا ۱۳۸۲ بازرس اصلی انجمن صنفی کارگران خباز بودم. من برای انتخابات سال ۱۳۸۳ نیز خود را کاندیدا کردم. اما بدلیل دفاع از حقوق کارگران و مستقل بودن در فعالیتهای انجمن اداره اطلاعات مرا تأیید نکرد. اما من عقب ننشستم و در انتخابات شرکت کردم. در حین انتخابات رسماً به رای دهندگان گفتمند که کسی حق ندارد به محمد عبیدی پور رای بدهد، چون اداره اطلاعات کاندیداتوری او را تأیید نکرده است. با این وجود اکثریت کارگران بمن رای دادند و به همین جهت اداره کل کار و امور اجتماعی استان کردستان رای گیری را باطل اعلام کرد. خوب امسال ما با همین کارگران به سالن کاوه رفتیم. میتوانیم بگویم ۹۰ درصد شرکت کنندگان اینها بودند.

س: اینجا سئوالی مطرح میشود. چرا در سال ۱۳۸۳ در مراسم سالن کاوه شرکت نکردید؟ در آن سال هم چنین کارگرانی در مراسم حضور داشتند؟

ج: پارسال شرایط متفاوت بود. ما به چند دلیل در آن مراسم شرکت نکردیم: ۱- سال ۸۳ ما، به عنوان ((شورای هماهنگی اول ماه مه)) چند بار با هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران خباز جلسه داشتیم و تلاش کردیم آنان را قانع کنیم که با هم مراسم مشترک داشته باشیم، ولی به نتیجه نرسیدیم. ما در آخرین جلسه ای که با آنها داشتیم فهرستی به آنها دادیم که عین درخواستهای امسال ما بود. آنها خواستهای ما را برای تأیید به اداره کار فرستادند. مسئولین اداره کار و شورای تامین شهر روی همه خواستهای مطرح شده از جانب ما خط قرمز کشیده بودند. ما به شرط قبول آن خواستها در مراسم مشترک شرکت میکردیم. با رد مطالبات فوق مراسم مشترک منتفی شد. امسال ما از انجمن دعوت نکردیم و آنها نیز از ما دعوتی به عمل نیاوردند. ۲- دولت رسماً شرکت ما در مراسم سال ۸۳ را ممنوع کرده بود.

س: بعد از آن ممنوعیت شورا چه تصمیمی اتخاذ کرد؟

ج: اعضای شورا بلافاصله تشکیل جلسه داد. در جلسه مصوب شد که مراسم مستقل برگزار کند. همه اعضا بجز یک نفر موافق مصوبه بودند و آن یک نفر نیز رسماً استعفا داد. وقتی مسئولین شهر باخبر شدند که شورا هماهنگی میخواهد مراسم برگزار کند. محمود صالحی و جلال حسینی را به مدیریت اطلاعات نیروی انتظامی احضار کردند. در آنجا تهدید کردند که اگر مراسم خود را برگزار کنید همه را به گلوله می بندیم... این تهدیدها تا آخرین لحظه ها در روز ۱۲ / ۲ / ۸۳ اطلاعیه زیر را پخش کرد:

امروز (اول ماه مه) را شاهد میگیرم که هر لحظه ایستادنم خاموشی است در این جهان.

کارگران و خانواده های محترم

به مناسبت روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، شما را دعوت میکنیم در مراسمی که در ساعت پنج بعد از ظهر ۱۲ اردیبهشت در محل پارک کودک (پائین تر از چهار راه آزادی) برگزار میشود شرکت فرمائید.

شورای هماهنگی مراسم اول ماه مه

به محض اینکه نیروهای انتظامی و امنیتی از محل برگزاری مراسم اطلاع پیدا کردند. نیروهای خود را سازماندهی کردند. آنها افراد محاصره کننده خانه محمود صالحی را همانجا گذاشتند و بقیه را به پارک کودک و اطراف آن فرستادند. ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر نجیبه صالح زاده همراه با مهمانان که از بوکان آمده بودند از خانه خارج میشوند. نیروهای امنیتی در کمین نشسته به آنها حمله میکنند. آنها طی این حمله غیر انسانی چند نفر از جمله هادی تنومند و اسماعیل خودکام را دستگیر میکنند و به داخل خانه محمود صالحی هجوم

میبرند. نجیبه و پدر محمود اعتراض میکنند که از طرف چند مامور کرد مورد هجوم قرار میگیرند و درگیری شروع میشود. سرانجام بعد از به هم ریختن کلیه وسایل منزل تمام وسایلی که مربوط به کامپیوتر بود با یک سری کتاب و نوشته های شخصی با خود می برند. ما بی خبر از این حمله بطرف مسجد ملا زاهد رفتیم که قرار بود ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه در آنجا جمع شویم و با قفل کردن دستها در همدیگر به صف نیروهای امنیتی و انتظامی بزنیم و وارد پارک کودک شویم. به درب مسجد که رسیدیم خبر یورش فوق و دستگیری ها به ما رسید. همزمان جمعیت زیادی کارگر همراه با خانواده هایشان جمع شده بودند. علیرغم حضور نیروهای امنیتی هر دم بر تعدادشان افزوده میشد. ساعت حرکت تعیین شده بسوی پارک گذشته و ما به دلیل عدم حضور یکی از اعضای شورا منتظر ماندیم. در حین انتظار، مامورین هجوم آوردند و اولین کسی را که به زور به داخل یکی از اتومبیلها بردند محمود صالحی بود. با مشاهده این وضع کارگران زن و مرد به مقابله با مامورین پرداختند و شیشه ماشینی را شکستند که محمود داخل آن بود. محمود نیز با اینکه در محاصره دهها نفر از ماموران بود با زور از اتومبیل پیاده شد و خطاب به کارگران و مردمی که نظاره گر این حمله بودند گفت:

" مردم امروز روز جهانی کارگر است و ما میخواستیم مراسم برگزار کنیم و به این دلیل مورد یورش قرار گرفته و دستگیر میشویم. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر. مرگ بر نظام سرمایه داری." مامورین به محمود آویختند تا او را با زور به طرف اتومبیل ببرند. محمود مقاومت کرد و عینکش افتاد و مردم نیز با مشاهده این صحنه به طرف نیروها حمله کردند و درگیری شروع شد در نتیجه دهها نفر از کارگران دستگیر و روانه زندان شدند. خود من را گرفتند و با تلاش زیاد من را آزاد کردند. بعد از این دستگیری مامورین به منزل من یورش بردند و کلیه وسایل خانه ام را به هم ریخته بودند. که در نتیجه مقداری وسایل از جمله نوارهای ویدئو و سی دی را با خود برده بودند. با این اشاره میخوام بگویم که اگر امسال نیز چون پارسال میگردند ما با همان روحیه سال گذشته به آنها برخورد میگردیم.

در این قسمت با انور شریفی گفتگو میکنیم. انور خواننده ای است که همیشه در مراسمهای مستقل اول ماه مه شرکت کرده و با صدای گرمش بر شور و رزمندگی مراسم افزوده است. انور معمولاً با استاد ابوبکر پیشداد در برنامه ها هنرنمایی میکند. طنزین صدای دلنشین این عزیز هنوز در گوشها ماندگار است. استاد ابوبکر در اینجا حضور ندارد و من بناچار فقط با انور صحبت میکنم. او امسال هر چند از طرف کمیته جهت اجرای برنامه دعوت شده بود. به دعوت کنندگان جواب رد داد و به عنوان تماشاچی در سالن حضور داشت. اولین سنوالم را اینطور مطرح میکنم:

س: بر عکس برنامه های شما که همیشه مورد استقبال و تشویق پرشور قرار میگرفت امسال از برنامه موسیقی پیشوازی به عمل نیامد. وضع چنان بود که خود اعضای گروه تقاضای تشویق می کردند و کسی جواب مثبت را نداد. دلیل این برخورد دو گانه در چیست؟

ج: اول این را توضیح بدهم که من خودم کارگر خباز بودم و وقتی که افراد مستقل، لایق و دلسوزی انجمن را اداره میکردند این امکان برای من و بقیه فراهم شد که در همه عرصه ها به منافع واقعیمان بیشتر فکر کنیم. در مورد موسیقی نیز همینطور بود. ما همیشه تلاش میکردیم از میراث مبارزاتی کارگر در این میدان سود ببریم و آنها را در برنامه هایمان بگنجانیم. خوب وقتی کارگر میبندد اثری بر خاسته از زندگی انسانی و مبارزه خود و هم طبقه هایش به او عرضه میشود استقبال میکند. امسال گروه موسیقی به تمامی فاقد این خاصیت بود.

س: میشود توضیح بیشتری بدهید؟

ج: ببینید اول ماه مه روز جهانی کارگر است و طبعاً شرکت کنندگان در مراسم این روز انتظار دارند که سرودها و اشعار و غیره مربوط به این روز باشد. رزمنده باشد. از منافع و حالات روحی و انسانی کارگر سرچشمه گرفته باشد. من میگویم که حتی در دل اختناق نیز میشود به شکلی یک برنامه کارگری و خوب ارائه کرد. یک جمعی که گوش به فرمان باشد دیگر نمیتواند اثری باب دل کارگر به میدان آورد. نمیتواند برنامه ای داشته باشد که خشم و عصبانیت، شادی و اندوه و آرزوهای کارگر را منعکس کند. وقتی اثری در خدمت روز کارگر نیست دیگر از کارگر نمیشود انتظار تشویق داشت.

س: شما برای اینکه یک برنامه موفق داشته باشید و سرودهای خوب ارائه بدهید چکار میکردید؟

ج: من یک خواننده هستم و نه شاعر. در ایران و دنیا تعداد زیادی شاعر هستند که در مورد زندگی کارگران شعر گفته اند. من در میان آثار این شعرا میگذشتم و اشعار خوب را انتخاب میکردم. البته همکاران و نیز دوستان کمک میکردند و با هم کار را پیش میبردیم و خوشحالم که برنامه ها مورد استقبال قرار می گرفت.

س: نظر شما در مورد برنامه طنز چیست؟

ج: طنز همان ایرادی داشت که آقای محمود صالحی به آن اشاره کرد. خصوصیت اصلی کارگر همان خلاقیت اوست. نعمت آفرینی اوست. البته در میان کارگران، همچون غیر کارگران، انسان خل مزاج وجود دارد. طبقه کارگر زیر فشار عظیمی بسر می برد و این فشارها طبعاً جماعتی را روانی میکند. اما روز کارگر چرا باید به این جنبه پرداخت؟ سرمایه داران که همه حاصل رنج ما را میبرد خل کم دارند؟ چرا خل های آنها را نمایش نمیدهند؟ آنها برای غارت دسترنج ما هزاران دروغ مسخره بهم نمی بافند و خود را به هزاران شکل مسخره در نمی آورند؟ چرا اینها را به مسخره نمی گیریم؟ من ایراد اصلی را در همان غیر مستقل بودن برگزار کنندگان میبینم. در واقع برنامه برای خوشامد غیر کارگران درست شده بود و تازه کارگران لطف کردند که جماعت را هو نکردند.

با این که مسایل مربوط به برگزاری اول ماه مه متنوع است ، اما اگر بخواهیم بهمه جنبه ها بپردازیم سخن طولانی میشود . به قول معروف مثنوی هفتاد من کاغذ میشود . به همین جهت این گفتگو ها را با مصاحبه ای به پایان میبریم که با محمود صالحی انجام گرفته است . در اولین سؤال میپرسیم :

س : چرا شما (و اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در سقز) در مراسم سالن کاوه شرکت کردید که توسط نیروهای دولت سازمان داده شده بود؟

ج : کلاً میشود گفت کسانی مراسم را سازمان داده بودند که از مقامات حرف شنوی داشتند . اما خود اینها تلاش داشتند به طریقی فاصله خود را با مقامات حفظ کنند . لازم است که اشاره شود که اول ماه مه روز جهانی ما کارگران است . در ایران اول کوشش شد که بطور کلی ما را از داشتن این روز محروم کنند و بعد زیر فشار مبارزه کارگران ناچار شدند آن را بپذیرند . به این معنا اگر چه تشکلهای دولت ساخته روز ما را جشن میگیرند تا مسخ کنند ، اما این هنوز روز ماست و اگر بتوانیم آن را پس بگیریم و از مسخ شدن آن جلوگیری کنیم باید اینکار را بکنیم . این کاری بود که ما کردیم . حالا ما به چه شیوه این کار را کردیم ؟ من و آن فعالین و کارگرانی که رای دادیم تا در مراسم شرکت کنیم (یعنی ۹۹ در صد حاضرین در جلسه) بر اساس یک اصولی رای دادیم . حالا چه آن اصولی را در جلسه تصمیم گیری به زبان آورده باشیم و چه نه . آن اصول اینها بودند .

۱- یک محیط امن و خالی از خطر برای شرکت کنندگان در مراسم فراهم کنیم . فراموش نشود که کارگران رادیکال و خانواده هایشان در سقز خیلی تحت فشار بوده و هستند . سختی های زندان و بهم ریختن نظم و سامان خانواده ، معیشت ، آموزش بچه ها ، ضربه های روحی و غیره مصائب کوچکی نیستند . البته آنان همیشه حاضر به فداکاری بوده و هستند . ولی قبول خطر باید قابل توجیه باشد .

۲- مراسم مستقل و دور از دخالت دولتیان و تشکلهای سر به دولت پیش رود .

س : اصل اول متحقق شد . اما مستقل بودن خود مراسم زیر سؤال است ؟

ج : زیر سؤال کی؟ من به این امر بر میگردم . ولی در مورد مستقل بودن توضیح میدهم . طبعاً مراسم توسط کسانی سازماندهی شده بود که به دولت و کارفرما ها تمایل داشتند و به این معنی خود مراسم آنان مستقل نبود . ولی ما توانستیم با پرچم ، شعارها ، سخنرانی و سازماندهی خاص خود آنرا کاملاً تحت الشعاع قرار دهیم . سالن دست ما بود . ما مسلط بودیم و نیروی مقابل زبون شده بود . گزارشات منتشر شده و نیز گزارش خود من این را بخوبی نشان میدهد .

س : کسانی میگویند که شهر با شما بود . اکثریت مردم با شما بودند . میشد مراسمی جدا از مراسم سالن کاوه گرفت . نظر شما در این مورد چیست؟

ج : دل اکثریت مردم با ما بوده و هست . اما همیشه این دل و دلسوزی در یک شرایط معینی به نیرو تبدیل میشود . ما هرگز نمی توانیم و نباید با این دلسوزی مردم شریف بازی کنیم . باید بتوانیم تناسب قوا را بطور عینی چنان تحلیل کنیم که این دلسوزی به درستی و در جهت منافع کارگران و درست مورد استفاده قرار گیرد و چنان باشد که خود دلسوزان دستاورد مثبتش را حس کنند . این اصل نه فقط در مورد سقز بلکه همه جا حاکم است .

س : ممکن است کمی بیشتر راجع به وضع کارگران و این تناسب قوا توضیح دهید؟

ج : طبقه کارگر تحت فشارهای گوناگونی است و به دلیل محرومیت از حق اعتصاب و تشکل کمتر توانسته از کشمکشها ، مبارزات و درگیریهایش بهره ببرد . البته این طبقه با سر بلندی مبارزات زیادی را پیش برده که خود بورژوازی نیز نمیتواند آن را انکار کند . حرکت طبقه ما امید بخش است . اینکه طبقه با آن فشارها و این مبارزاتش در کجا ایستاده بحث زیادی بر میدارد و من فقط به یک گوشه آن اشاره میکنم . پارسال من و شش دوست دیگر بخاطر تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه در زندان نگه داشته شدیم . کمپینی که برای آزادی و رفع اتهام از ما راه افتاد وسیع و موثر بود . بخشی از این کمپین در خارج و در شرایط معینی پیش رفت . رهبران کارگری هشیارانه از این وضعیت استفاده کردند و مسئله تشکل واقعی و مستقل کارگری را به امری قابل تحقق بدل کردند و نیروی معینی را برای تحقق نیز سازمان دادند . آن پشتیبانی در خارج و این تناسب قوای داخلی دستمایه ما شد تا به دعوت مقامات شهر وارد مذاکره شویم . ما میخواستیم مراسم خود را در محیطی امن برپا کنیم و آنها میخواستند روز کارگر هم بدون در دسر بگذرد و هم بگویند مراسم طبق هدایت خودشان بر پا شده است . آنها به یک خواست خود رسیدند و آن برگزاری بدون در دسر مراسم بود . اما ما مراسم آنها را از آن خود کردیم و امنیت هم داشتیم . یعنی تفنگها ، باتونها و زندانهایشان را بی اثر کردیم . این دستاورد زیادی است . دستکمش نگیریم .

س : یعنی قبول می کنید که به قول بعضیها که میگویند "سازشی صورت گرفته؟"

ج : خیر سازشی صورت نگرفته ولی مذاکره چرا ؟ اگر مقامات فکر میکردند که ما مرغان فقط یک پا دارد چرا برای مذاکره دعوتمان میکردند؟ در ضمن آن کارگرانی که با ما هستند به ما ایمان دارند و گر نه دنبال ما نمی افتند . اما مبارزه ۲۵ ساله من ، مصائبی که در این راه متحمل شده ام و شیوه های مبارزاتی و انعطاف پذیری که پیش برده ام به آنها ثابت کرده که در مذاکره همیشه از منافع اساسی و نیز منافع روز آنها دفاع میکنم و هیچ ترفند و فشاری مرا در این مورد به کجراه نمیرد . دوستانم نیز به همین شکل مبارزه کرده و مورد اعتمادند . به نظر خودم تاکتیک امسال ما درست بود و حاوی درسهای خوبی است . ما بدون کسب هیچ مجوزی و به اتکا به نیروی

کارگران به میدان آمدیم و این طرف مقابل بود که تن به خواسته‌های ما داد تا به یک خواست خود برسد. در ضمن فراموش نشود که برگزاری مراسم اول ماه مه در سالن کاوه را ما پایه‌گذاریم و این وقتی بود که هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران خباز دست ما بود. اگر در دو سال ۸۲ و ۸۳ در مراسم شرکت نکردیم بدین علت بود که رسماً ما را از شرکت کردن محروم کردند. اگر نه همان سالها هم تدبیری می‌اندیشیدیم که مراسم خودمان را پس بگیریم. آنها که سالهای گذشته ما را محروم کرده بودند امسال خود بناچار در را برویمان گشودند و مقدم مان را گرامی داشتند. البته ما تنها به دعوت مقامات شهر نبود که به سالن کاوه رفتیم. کارگران خباز نیز ما را دعوت به حضور در آن مراسم کردند. کلاً همانطور که اشاره کردم فضای داخل سقز امسال طوری بود که خود کمیته برگزار کننده نیز میخواست طوری عمل کند که انگ دولتی نخورد.

محمد عبدی پور به درستی به اطلاعیه آنها اشاره میکند و میپرسد کجای آن اطلاعیه نشان میدهد که مراسم را خانه کارگر برگزار میکند که سنتاً برگزار کننده مراسمهای دولتی بوده است.

س: حالا برگردیم به منتقدین. آنها میپرسند که چرا به نقد هایشان جواب نداده‌ای؟

ج: با تمام احترام برای حق آزادی بیان و استقبال از نقدها باید گفت به کارهای دیگری مشغول بودم، مثل تلاش برای سازماندهی کارگران و کار در میان توده مردم. فکر کردم که در این شرایط پرداختن به آن کار مهمتر است. در ضمن عده‌ای از دوستان جوابهایی دادند که جنبه‌هایی را روشن کرده است.

س: از حرفهای شما میشود این استنباط را کرد که برگزاری مراسم مستقل و در جایی متفاوت از سالن کاوه ممکن نبود؟

ج: ما قصد داشتیم در ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) دم در دادگاه انقلاب مراسم برگزار کنیم که قرار بود دادگاه آقایان جلال حسینی و محمد عبدی پور در آن روز برگزار شود. اما کار بدستان قوه قضائیه سریعاً دادگاه را عقب انداختند و عملاً مراسم ما لغو شد. اما برگردیم به مراسم خارج از سالن کاوه. ببینید پارسال که مقامات همه درها را بروی ما بستند ما زدیم توی شکم نیروهای انتظامی و امنیتی تا بتوانیم در پارک کودک مراسم برگزار کنیم. به این جهت خودمان و خانواده‌هایمان مرارت و رنج زیاد کشیدیم. اما ارزش داشت. امسال همان کسانی که ما را محروم کردند و حکم بازداشت ما را امضا کردند به همه شرایط ما گردن گذاشتند و ما را دعوت کردند. واقعاً درست بود کسی را به خطر بیندازیم؟ اگر نیروهای مسلح و مامورین دولت مثل پارسال به خشونت متوسل میشدند به نفع جنبش کارگری تمام میشد؟

س: یعنی شما تناسب قوا را طوری نمی‌بینید که بتواند مامورین را وادارد که از خشونت اجتناب کنند؟

ج: من خیلی مختصر اشاره‌ای میکنم و میگذارم که گذشته از بررسی تناسب قوای سراسری که بدان اشاره شد، باید تناسب قوای محلی را هم دید. بالاخره اینجا کردستان است و بخشی مهم از منطقه خاورمیانه. حالا من فرصت ندارم وارد این بحثها شوم. فقط میخواهم بگویم عوامل پیچیده‌ای عمل میکند که بررسی عینی و دقیق می‌خواهد. اما با همه این حرفها من از بعضی از این منتقدین محترم میپرسم اگر شرایط آنچنان خوب بود که میگویند، چرا خودشان نتوانستند هیچگونه مراسمی برگزار کنند؟ بالاخره ما از امکاناتی که فراهم آمد استفاده کردیم، حرفهای خود را زدیم، خواستههای خود را مطرح کردیم و مصون از هر گونه سرنیزه‌ای عرق شرم بر پیشانی مقامات و کارگران متمایل به آنان جاری کردیم. خود این منتقدین به جز تخطئه کار ما چه کار دیگری کردند؟

س: شاید بگویند که آلوده نشدند؟

ج: بگذار من اول یک واقعیات آشکار را تکرار کنم. من و دوستانی که رای دادیم به سالن کاوه برویم همان کسانی هستیم که پارسال و در شرایط محرومیت کامل از برگزاری مراسم، با نیروهای مسلح دولت درگیر شدیم، برای اولین بار در زندانها حکومت سرود. انترناسیونال خواندیم و در دادگاهها ایشان نیز سرمایه‌داران و حامیان آنها را دادگاهی کردیم. همین ما امسال نیز بدون درخواست هیچ مجوزی اعلام کردیم که هیچ سرنیزه و زوری نمیتواند مانع برگزاری مراسم روز جهانیان شود. مقامات با توجه به آن وضعیتی که اشاره کردم و این پایداری بهترین راه را این تشخیص دادند که شرایط ما را بپذیرند. مگر ما آنجا چه کردیم که آلوده شده باشیم؟ ما گفتیم خانه کارگر دولت ساخته است و کارگر به تشکل واقعی خودش نیاز دارد. خشونت نیروهای دولت را محکوم کردیم. کلاً نگاهی به سخنرانی من و گزارش بیاندازید تا معلوم شود که ما نه آلوده، که برنده این ماجرا هستیم.

من به عنوان کسی که فراخوان وحدت طبقه کارگر را داده‌ام و در این راه میکوشم، نمیخواهم دست به افشاگری غیر ضروری بزنم و گر نه راجع به منتقدین و کسانی که واقعیات را وارونه میکنند میشود حقایقی را گفت.

س: آقای صالحی آیا حرفی مانده که میخواهید اینجا مطرح کنید؟

ج: حرف که زیاد است. اینجا فقط به نکاتی اشاره میکنم.

کسانی که ما را نقد میکنند چند دسته اند. جمعی میخواهند مراسم ما را دستمایه کنند تا سازمانشان مشهور شود. توصیه من به آن دسته این است که اگر میخواهند نفوذی بهم رسانند و سازمان نیرومند و خوشنامی داشته باشند مخلصانه کار کنند و دست از کدخدگری و سوء استفاده بردارند.

دسته‌ای از همه و یا بعضی قسمت از سخنرانی من رنجیده اند. مخصوصاً اظهار نظر من راجع به آمریکا عده‌ای را رنجانده است.

خوب با اینها نمیتوان کاری کرد.

دسته‌ای هستند که من و دوستانم را نمی‌شناسند. من ۲۵ سال پیش به کمک چند نفر از فعالان کارگری به ویژه آقای ابوبکر خوش پیام با مسائل کارگری آشنا شدم. از آن زمان تا حالا به خاطر اعتقاداتم زندانی شده‌ام، زیر شدیدترین آزارها قرار گرفته‌ام و در عرصه‌های

گونگون کارگری فعال بوده ام و در تمام این مدت نه در برابر کسی سر خم کرده ام ، نه منتظر دستور کسی بوده ام و نه از کسی اجازه گرفته ام . در زندگی فردی همین طورم و در مبارزه طبقاتی نیز ، که کارها را به طور جمعی پیش میبرم ، همین روحیه را دارم . دوستانم نیز همین روحیه را دارند . این دوستان منتقد را دعوت میکنم که در مورد ما بیشتر تحقیق کنند . البته کسی ممکن است بگوید شما علیرغم آن روحیه و آن تجارب به لحاظ سیاسی دچار اشتباه شدید . من در جواب به سئوالات بالا مستدل کردم که تاکتیکمان درست بود .

من در اینجا همه دلسوزان طبقه کارگر را دعوت میکنم تا رهبران کارگری دست اندرکار متشکل کردن را یاری دهند تا به اهداف خود برسند . جنبش کارگری سال گذشته قدمهای خوبی در این عرصه برداشت . رهبران و فعالین زیادی سال گذشته همدیگر را پیدا کردند و دارند کاری میکنند تا بر ضعف عدم تشکل ، که یک ضعف تاریخی طبقه ماست ، فایق آیند . همه شاهدیم که کارگران در شرایط سخت و خطرناکی در کشمکش و مبارزه بوده و هستند . روحیه شان ، فداکاریشان جای امیدواریست . اما حاصل اینهمه مبارزه ، تلاش و جانفشانی به دلیل پراکندگی ، بی برنامهگی و بی سازمانی اندک است . من از همه دعوت میکنم به ما کمک کنند تا در کارمان پیشروی کنیم .

من میخواهم به یک نکته دیگر نیز اشاره کنم . بعضیها هنوز مسایلی را برای کارگران توضیح میدهند که زیاد کمک کننده نیست . مثل اینکه می گویند که در سوسیالیسم هم شرایط کار و زندگی کارگران تغییر نخواهد کرد . دوستان بیاد داشته باشند که امروز در کارگاه ها و کارخانه ها اکثر کارگران دیپلمه هستند و استفاده از اینترنت رواج زیادی دارد . در چنین شرایطی ما باید کارگران را به این قناعت برسانیم که تحقق آن چیزهای خوب از طریق تشکل و مبارزه ممکن است . اتفاقاً یکی از راههای اینکار همین است که ما در اول ماه مه کردیم . ما در عرصه کوچکی نشان دادیم که با اتکا به نیروی کارگری که آماده مبارزه است میشود دستگاه ضد کارگری را کنار زد .